

بحران علوم اروپایی
و پدیدارشناسی استعلایی

- سرشناسه: هوسرل، ادموند، ۱۸۵۹-۱۹۳۸ م.
- عنوان و نام پدیدآور: بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی: درآمدی به فلسفه پدیدارشناختی/ادموند هوسرل؛ ترجمه طالب جابری.
- مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۳.
- مشخصات ظاهری: ۷۵۹ ص.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۵۵۶-۶
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- یادداشت: عنوان اصلی: Die krisis der europäischen wissenschaften und die transzendente phänomenologie: eine einleitung in die phänomenologische philosophie, 1976.
- یادداشت: کتاب حاضر با عنوان «بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی» با ترجمه غلامعباس جمالی توسط گام نو در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است.
- یادداشت: نمایه.
- عنوان دیگر: بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی.
- موضوع: پدیده شناسی
- موضوع: Phenomenology
- موضوع: فلسفه جدید
- موضوع: Philosophy, Modern
- موضوع: علوم - فلسفه
- موضوع: Science -- Philosophy
- شناسه افزوده: جابری، طالب، ۱۳۶۵ -، مترجم
- رده بندی دیویی: B۳۲۷۹
- رده بندی کنگره: ۱۴۲/۷
- شماره کتاب شناسی ملی: ۹۹۹۴۹۶۸

بحران علوم اروپایی
و پدیدارشناسی استعلایی
درآمدی به فلسفه پدیدارشناختی

ادموند هوسرل
ترجمه طالب جابری



این کتاب ترجمه‌ای است از:

***Die Krisis der europäischen Wissenschaften
und die transzendente Phänomenologie
Eine Einleitung in die phänomenologische Philosophie***

Edmund Husserl

Martinus Nijhoff, 1976



انتشارات قنوس

خیابان انقلاب، خیابان فروردین، خیابان نظری،

نیش جاوید ۲، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

* * *

ادموند هوسرل

بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی

درآمدی به فلسفه پدیدارشناختی

ترجمه طالب جابری

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۴

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۶ - ۵۵۶ - ۰۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 622 - 04 - 0556 - 6

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

ارزانی آن‌هایی که
نمی‌خواهند نزیسته بمیرند.
مترجم

فهرست

پیشگفتار مترجم.....	۱۷
درآمد ویراستار آلمانی.....	۲۳

بخش اول: بحران علوم به مثابه بیان بحران زندگی به منزله بحرانی ریشه‌ای در تمدن بشری اروپایی

فقره ۱. آیا با توجه به دستاوردهای پیوسته [یعنی دستاوردهای علوم] واقعاً نوعی بحران علوم وجود دارد؟.....	۳۷
فقره ۲. تقلیل [یا بازآوری] پوزیتیویستی ایده علم به صرف علم واقع‌نگر. «بحران» علم به مثابه از دست رفتن دلالت‌مندی [یا اهمیت] آن برای زندگی.....	۴۰
فقره ۳. بنیادگذاری خودآیینی تمدن بشری اروپایی با تلقی تازه از ایده فلسفه در دوران رنسانس.....	۴۲
فقره ۴. شکست علم جدیدی که در آغاز موفق بود، و عامل انگیزاننده وضوح نیافته آن [شکست].....	۴۷
فقره ۵. ایدئال فلسفه عام و فرایند انحلال درونی‌اش.....	۴۸
فقره ۶. تاریخ فلسفه عصر جدید به مثابه نبرد بر سر معنای انسان.....	۵۳
فقره ۷. برنامه [مورد نظر در] پژوهش‌های این نوشتار.....	۵۶

بخش دوم: ایضاح خاستگاه تضاد میان ابژکتیویسم فیزیک‌باورانه و سوژکتیویسم استعلایی در عصر جدید

فقره ۸. خاستگاه ایده جدید عمومیت علم در تغییر شکل ریاضیات.....	۵۹
--	----

- فقرة ۹. ریاضی سازی گالیله طبیعت را. ۶۲
- الف) «هندسه محض» ۶۳
- ب) اندیشه بنیادین فیزیک گالیله ای: طبیعت به مثابه عالم ریاضی ۷۰
- ج) مسئله ریاضی شدنی بودن «پری ها» ۷۷
- د) عامل انگیزاننده تلقی گالیله ای از طبیعت ۸۲
- ه) ویژگی اثباتی فرضیه بنیادین مربوط به علم طبیعی ۸۸
- و) مسئله معنای «فرمول» در علم طبیعی ۹۰
- ز) تهی سازی معنایی علم طبیعی ریاضی در «فنی سازی» ۹۴
- ح) زیست جهان به مثابه پایه معنایی فراموش شده علم طبیعی ۹۸
- ط) بدفهمی زیانبار به مثابه پیامد عدم وضوح در خصوص [یا فقدان درک واضح از] معنای ریاضی سازی ۱۰۴
- ی) دلالت بنیادین مسئله خاستگاهی علم طبیعی ریاضی ۱۰۸
- ک) وصف روشی تفسیر ما ۱۰۹
- فقرة ۱۰. خاستگاه دوگانه انگاری در سرمشق بودن فراگیر علم طبیعی.
- عقلانیت جهان «more geometrico» ۱۱۲
- فقرة ۱۱. دوگانه انگاری به مثابه بنیاد دریافت ناپذیری مسائل عقل،
به مثابه پیش فرض تخصصی سازی علوم، به مثابه مبنای روان شناسی
طبیعت باورانه. ۱۱۴
- فقرة ۱۲. وصف کلی عقل باوری فیزیک باورانه عصر جدید ۱۱۹
- فقرة ۱۳. نخستین دشواری های طبیعت باوری فیزیک باورانه در
روان شناسی: دریافت ناپذیری سوپرتکیوئته دارای کارکرد ۱۲۲
- فقرة ۱۴. وصف و تعبیری اولیه از ابژکتیویسم و استعلایی انگاری.
کشمکش این دو ایده به مثابه معنای تاریخ روح در عصر جدید ۱۲۴
- فقرة ۱۵. تأمل درباره روش مربوط به شیوه ملاحظه تاریخی ما ۱۲۶
- فقرة ۱۶. دکارت به مثابه بنیان گذار آغازین هم ایده عقل باوری
ابژکتیویستی عصر جدید، و هم درون مایه استعلایی از هم پاشنده آن ۱۳۰
- فقرة ۱۷. بازگشت دکارت به «ego cogito». تفسیر معنای اپوخه
دکارتی. ۱۳۲

فقره ۱۸. بدفهمی دکارت در مورد خودش: تحریف روان‌شناسی‌گرایانه	۱۳۷
اگوی محض با اپوخته به دست آمده.....	
فقره ۱۹. علاقه مبرم دکارت به ابژکتیویسم به مثابه دلیل بدفهمی دکارت	۱۴۰
در مورد خودش.....	
فقره ۲۰. «قصیدت» نزد دکارت.....	۱۴۲
فقره ۲۱. دکارت به مثابه مدخل دو مسیر بسط [ـ بحث]: عقل باوری و	
تجربه باوری.....	۱۴۳
فقره ۲۲. روان‌شناسی مورد نظر لاک به مثابه قسمی روان‌شناسی	
طبیعت باورانه و مبتنی بر نظریه شناخت.....	۱۴۴
فقره ۲۳. بارکلی. روان‌شناسی دیوید هیوم به مثابه نظریه شناخت	
خیال باورانه: «ورشکستگی» فلسفه و علم.....	۱۴۷
فقره ۲۴. درون مایه فلسفی حقیقی پنهان در مهمل بودن شکاکیت	
هیومی: تزلزل ابژکتیویسم.....	۱۵۰
فقره ۲۵. درون مایه «استعلایی» عقل باوری: تلقی کانت از یک فلسفه	
استعلایی.....	۱۵۳
فقره ۲۶. توضیح مقدماتی درباره مفهوم «امر استعلایی» به مثابه مفهوم	
راهنمای ما.....	۱۶۱
فقره ۲۷. فلسفه کانت و پیروانش از چشم انداز «امر استعلایی» به مثابه	
مفهوم راهنمای ما. تکلیف موضع‌گیری نقادانه.....	۱۶۳

بخش سوم: روشن‌سازی مسئله استعلایی و آن کارکرد روان‌شناسی که با آن مرتبط است

الف) راه رسیدن به فلسفه استعلایی پدیدارشناختی در بازرسیدن از زیست جهان پیش داده

فقره ۲۸. «پیش فرض» ناگفته کانت: زیست جهان پیرامونی به طور مسلم	
معتبر انگاشته شده.....	۱۶۶
فقره ۲۹. زیست جهان به مثابه قلمرو پدیدارهای سوژکتیو «بی‌نام» مانده	
گشودنی است.....	۱۷۸

- فقرة ۳۰. فقدان روشی شهودی-نشان‌دهنده به مثابه بنیادی برای
برساخت‌های اسطوره‌ای کانت..... ۱۸۱
- فقرة ۳۱. کانت و ناپسندگی روان‌شناسی آن زمان. شفاف نبودن تمایز
سوژکتیویته استعلایی و نفس..... ۱۸۴
- فقرة ۳۲. امکان گونه‌ای راستی پنهان در فلسفه استعلایی کانت: مسئله
یک «بُعد جدید». تعارض میان «زندگی سطحی» و «زندگی عمیق»..... ۱۸۶
- فقرة ۳۳. مسئله «زیست‌جهان» به مثابه مسئله‌ای جزئی درون مسئله
کلی علم ابژکتیو..... ۱۹۰
- فقرة ۳۴. توضیح مسئله علمی که ناظر به زیست‌جهان باشد..... ۱۹۳
- الف) تفاوت علم ابژکتیو و علم به طور کلی..... ۱۹۳
- ب) استفاده از تجربه‌های سوژکتیو-نسبی برای علوم ابژکتیو و علم
مربوط به آن‌ها..... ۱۹۵
- ج) آیا امر سوژکتیو-نسبی موضوع روان‌شناسی است؟..... ۱۹۷
- د) زیست‌جهان به مثابه عالم آنچه اصولاً قابل شهود است؛ جهان
«ابژکتیو-راست» به مثابه زیرساخت «منطقی» اصولاً
غیرقابل شهود..... ۱۹۷
- ه) علوم ابژکتیو به مثابه سازه‌هایی سوژکتیو، به مثابه سازه‌های یک
عمل خاص، [یعنی] عمل نظری-منطقی، که خود به انضمامیت
کامل زیست‌جهان تعلق دارد..... ۲۰۱
- و) مسئله زیست‌جهان، نه به مثابه مسئله‌ای جزئی، بلکه به مثابه
مسئله فلسفی عام..... ۲۰۴
- فقرة ۳۵. تحلیلات مربوط به اپوخه استعلایی. نخست: اپوخه علم
ابژکتیو..... ۲۰۸
- فقرة ۳۶. چگونه ممکن است زیست‌جهان پس از اپوخه علوم ابژکتیو
به موضوع یک علم تبدیل شود؟ فرق اصولی میان امر پیشینی
ابژکتیو-منطقی و امر پیشینی مربوط به زیست‌جهان..... ۲۱۱
- فقرة ۳۷. کلی‌ترین ساختارهای صوری زیست‌جهان: شیء و جهان در
یک سو، شیء آگاهی در سوی دیگر..... ۲۱۷

- فقره ۳۸. دو شیوه بنیادین ممکن در موضوعیت بخشیدن به زیست جهان:
نگرش سرراستِ خام-طبیعی، و ایدهٔ قسمی نگرش تأملی منسجم نسبت
به چگونگی شیوهٔ دادگی سوژکتیو زیست جهان و ایزه‌های زیست جهان.... ۲۱۹
- فقره ۳۹. ویژگی خاص اپوخهٔ استعلایی به مثابهٔ تغییرِ تام نگرشِ طبیعی
در زندگی..... ۲۲۵
- فقره ۴۰. دشواری‌های مربوط به معنای حقیقی تحقق اپوخهٔ تام. و سوسهٔ
فهمیدن نادرست آن به مثابهٔ به انجام رساندن گام به گام خودداری از همهٔ
اعتبارات تکین..... ۲۲۶
- فقره ۴۱. اپوخهٔ استعلایی حقیقی «تقلیل استعلایی» را ممکن می‌کند.
کشف تضایف استعلایی جهان و جهان آگاهی و پژوهش در این
تضایف..... ۲۲۹
- فقره ۴۲. تکلیف ترسیم انضمامی اولیهٔ راه‌های به انجام رساندن واقعی
تقلیل استعلایی..... ۲۳۱
- فقره ۴۳. وصف راهی جدید به تقلیل [یا بازآوری] در تمایز با «راه
دکارتی»..... ۲۳۲
- فقره ۴۴. زیست جهان به مثابهٔ موضوع علاقه‌ای نظری که به واسطهٔ
اپوخه‌ای عام ناظر به واقعیتِ اشیای زیست جهان تعین یافته است..... ۲۳۴
- فقره ۴۵. آغازهای مربوط به قسمی شرح انضمامی دادگی‌های شهود
حسی، به طور محض چنان‌که هست..... ۲۳۶
- فقره ۴۶. امر پیشینی عام مربوط به تضایف..... ۲۳۹
- فقره ۴۷. اشاره به جهات دیگری در پژوهش: پدیدارهای سوژکتیو
بنیادین مربوط به حس حرکتی، دگرگونی اعتبار، افق آگاهی، و
مشترک‌سازی [یا اجتماعی‌سازی] تجربه..... ۲۴۲
- فقره ۴۸. همهٔ موجودات، با هر معنایی و از هر منطقه‌ای، به مثابهٔ نمایه
نظام سوژکتیو تضایف..... ۲۴۷
- فقره ۴۹. مفهوم موقتی تقویم استعلایی به مثابهٔ «معناسازی اصیل».
تنگنای نمونه‌وار تحلیل‌های انجام‌شده؛ اشاره به افق‌های تفسیری
دیگر..... ۲۵۰

- فقرة ۵۰. نظم اولیه همه مسائل کاری ذیل این عناوین:
 ۲۵۴ ego – cogito – cogitatum
 فقرة ۵۱. قسمی «هستی‌شناسی زیست‌جهان» به مثابه تکلیف. ۲۵۸
 فقرة ۵۲. بروز ابهامات تناقض‌آمیز. ضرورت تأملات رادیکال تازه. ۲۶۰
 فقرة ۵۳. تناقض نهشته در سوژکتیویته بشری: سوژه بودن برای جهان
 و همزمان ابژه بودن در جهان. ۲۶۶
 فقرة ۵۴. حل تناقض: ۲۷۰
 الف) ما در مقام انسان، و ما در مقام سوژه‌هایی با کارکرد و
 عملکرد نهایی. ۲۷۰
 ب) من به مثابه آغازین-من [یا من اصلی] افق دیگران استعلایی،
 دیگران به مثابه سوژه‌های همتای مربوط به سوژکتیویته
 استعلایی تقویم‌کننده جهان، به مثابه افقی متعلق به من،
 را تقویم می‌کنم. ۲۷۳
 فقرة ۵۵. تصحیح اصولی نخستین رویکرد ما به اپوخه از طریق تقلیلش
 [یا بازآوری‌اش] به اکوی مطلقاً یکتایی که عملکردش نهایی است. ۲۷۷

ب) راه رسیدن به فلسفه استعلایی پدیدارشناختی با آغازیدن از روان‌شناسی

- فقرة ۵۶. وصفِ بسطِ فلسفی پس از کانت، از دید نبرد میان ابژکتیویسم
 فیزیک‌باورانه و «درون‌مایه‌ای استعلایی» که پی‌درپی بروز پیدا
 می‌کند. ۲۸۱
 فقرة ۵۷. جدایی زیانبار فلسفه استعلایی و روان‌شناسی. ۲۹۰
 فقرة ۵۸. خویشاوندی و تفاوت روان‌شناسی و فلسفه استعلایی.
 روان‌شناسی به مثابه میدان تصمیم‌گیری‌ها. ۲۹۷
 فقرة ۵۹. تحلیل تغییر موضع از نگرش روان‌شناختی به نگرش استعلایی.
 روان‌شناسی «پیش» و «پس» از بازآوری پدیدارشناختی. (مسئله
 «درون‌شارش»). ۳۰۳
 فقرة ۶۰. بنیادِ ناکامیِ روان‌شناسی: پیش‌فرض‌های دوگانه‌انگاران و
 فیزیک‌باورانه. ۳۰۶
 فقرة ۶۱. روان‌شناسی در [میانۀ] تنشِ ایده علم (به مثابه ایده‌ای

- ابژکتیویستی-فلسفی) و رویه تجربی: ناسازگاری دو جهت‌گیری موجود
در پژوهش روان‌شناختی (جهت‌گیری روانی‌فیزیکی و «روان‌شناسی»
مبتنی بر تجربه درونی)..... ۳۰۹
- فقره ۶۲. توضیحی مقدماتی در باب مهمل بودن برابر گرفتن اصولی
نفوس و اجسام به مثابه امور رئال: اشاره به تفاوت اصولی زمانیت،
علیت، و فردیت در مورد شیء طبیعی و نفس..... ۳۱۲
- فقره ۶۳. پرسش برانگیزی مفاهیم «تجربه بیرونی» و «تجربه درونی».
چرا تجربه شیء جسمانی در زیست‌جهان، به مثابه تجربه چیزی «صرفاً
سوئیکتیو»، تاکنون داخل در موضوع روان‌شناسی نبوده است؟..... ۳۱۶
- فقره ۶۴. دوگانه‌انگاری دکارتی به مثابه بنیاد متوازی‌سازی. در طرح‌واره
«علم توصیف‌کننده و علم تبیین‌کننده»، تنها کلی‌ترین جنبه صوری موجه
است..... ۳۱۸
- فقره ۶۵. آزمودن حق قسمی دوگانه‌انگاری به نحو تجربی بنیادگذاری‌شده،
از طریق خو گرفتن با [و زیستن در] رویه واقعی روان‌شناس‌ها و
فیزیولوژیست‌ها..... ۳۲۲
- فقره ۶۶. جهان تجربه همه‌شمول؛ سنخ‌شناسی منطقه‌ای آن و انتزاعات
عام ممکن در آن: «طبیعت» به مثابه امر متضایف با انتزاعی عام، مسئله
«انتزاع تکمیلی»..... ۳۲۵
- فقره ۶۷. دوگانگی انتزاعات بنیادگذاری‌شده در تجربه. تداوم تاریخی اثرگذاری
رویکرد تجربه‌باورانه (از هابز تا وونت). نقد تجربه‌باوری داده‌نگر..... ۳۲۹
- فقره ۶۸. تکلیف شرحی محض آگاهی چونان آگاهی را: پروبلماتیک
عام قصدیت. (تلاش برناتانو در اصلاح روان‌شناسی)..... ۳۳۳
- فقره ۶۹. روش روان‌شناختی بنیادین «بازآوری پدیدارشناختی»-
روان‌شناختی». (وصف اول: ۱. نسبت داشتن قصدی و اپوخه؛
۲. سطوح روان‌شناسی توصیفی؛ ۳. تثبیت «ناظر بی‌علاقه».)..... ۳۳۵
- فقره ۷۰. دشواری‌های «انتزاع» روان‌شناختی. (تناقض نهشته در «عین
قصدی»؛ «معنا» به مثابه پدیدار قصدی آغازین)..... ۳۴۳
- فقره ۷۱. خطری بدفهمی «عمومیت» اپوخه پدیدارشناختی-روان‌شناختی.
اهمیت سرنوشت‌ساز فهم درست..... ۳۴۷

- فقرة ۷۲. رابطه روان‌شناسی استعلایی با پدیدارشناسی استعلایی به مثابه راه حقیقی رسیدن به خودشناسی محض. حذف قطعی ایدئال ابژکتیویستی از علم‌النفس..... ۳۶۵
- فقرة ۷۳. سخن پایانی: فلسفه به مثابه خوداندیشی بشریت، [به مثابه] واقعیت‌بخشی عقل به خود..... ۳۷۶

متون تکمیلی

- الف) رساله‌ها..... ۳۸۷
- علم به امر رئال، و ایدئال‌سازی. ریاضی‌سازی طبیعت..... ۳۸۷
- نگرش علم طبیعی و نگرش علم روحی [یا انسانی]. طبیعت‌باوری، دوگانه‌انگاری و روان‌شناسی روانی‌فیزیکی..... ۴۰۶
- بحران تمدن بشری اروپایی و فلسفه..... ۴۳۲
- ب) پیوست‌ها..... ۴۷۵
- پیوست ۱، مربوط به فقرة ۹..... ۴۷۵
- پیوست ۲، مربوط به فقرة ۹، قسمت الف..... ۴۸۷
- پیوست ۳، مربوط به فقرة ۹، قسمت الف..... ۴۹۹
- پیوست ۴، مربوط به فقرة ۱۲..... ۵۳۴
- پیوست ۵، مربوط به فقرة ۱۶ و فقره‌های بعدی..... ۵۴۱
- پیوست ۶، مربوط به فقرة ۱۶ و فقره‌های بعدی..... ۵۵۶
- پیوست ۷، مربوط به فقرة ۱۸..... ۵۷۱
- پیوست ۸، مربوط به فقرة ۱۸..... ۵۷۵
- پیوست ۹، مربوط به فقرة ۲۰..... ۵۷۹
- پیوست ۱۰، مربوط به فقرة ۲۱ و فقره‌های بعدی..... ۵۸۲
- پیوست ۱۱، مربوط به فقرة ۲۳..... ۶۰۰
- پیوست ۱۲، مربوط به فقرة ۲۳..... ۶۰۳
- پیوست ۱۳، مربوط به قسمت الف بخش سوم..... ۶۰۴
- پیوست ۱۴، مربوط به فقرة ۲۸..... ۶۲۱

پیوست ۱۵، مربوط به فقره ۲۸.....	۶۲۸
پیوست ۱۶، مربوط به فقره ۲۹.....	۶۳۶
پیوست ۱۷، مربوط به فقره ۳۳ و فقره‌های بعدی.....	۶۳۹
پیوست ۱۸، مربوط به فقره ۳۴.....	۶۴۶
پیوست ۱۹، مربوط به فقره ۳۴، قسمت هـ.....	۶۵۰
پیوست ۲۰، مربوط به فقره ۳۹.....	۶۵۲
پیوست ۲۱، مربوط به فقره ۴۶.....	۶۶۱
پیوست ۲۲، مربوط به فقره ۶۲.....	۶۶۴
پیوست ۲۳، مربوط به فقره ۶۵.....	۶۷۲
پیوست ۲۴، مربوط به فقره ۷۳.....	۶۷۶
پیوست ۲۵، مربوط به فقره ۷۳.....	۶۸۵
پیوست ۲۶، مربوط به فقره ۷۳.....	۷۰۳
پیوست ۲۷، مربوط به فقره ۷۳.....	۷۰۵
پیوست ۲۸، مربوط به فقره ۷۳.....	۷۱۲
پیوست ۲۹، طرح فینک برای پیشبرد بحران.....	۷۲۰
واژه‌نامه آلمانی-انگلیسی-فارسی.....	۷۲۵
نمایه اعلام.....	۷۳۵
نمایه موضوعی.....	۷۳۷

پیشگفتار مترجم

کتابی که پیش روی شماست ترجمهٔ جلد ششم مجموعه آثار هوسرل – مشهور به «هوسرلیانا» یا «هوسرلیات» – است. این کتاب آخرین اثر این فیلسوف و البته اثری ناتمام است که دیگران با افزودن نوشته‌های پراکندهٔ هوسرل آن را به قالب کنونی درآورده‌اند. غنای مفاهیم و بینش‌هایی که در این کتاب در پخته‌ترین شکل خود مطرح شده‌اند موجب شده بسیاری از شارحان آن را شاهکار هوسرل بدانند.

بحرانی که هوسرل از آن سخن می‌گوید هم به علوم به طور کلی و علوم انسانی به طور خاص مربوط است، هم به کلیت جهانی که بشر عصر جدید در آن زندگی می‌کند، و هم در نهایت به طور ضمنی به بحرانی که در اواخر عمر گریبان هوسرل را گرفته و حتی حق تدریس و تألیف را هم از وی سلب کرده بود، یعنی روی کار آمدن حزب نازی. خروج از بحران مستلزم نگرشی تازه به انسان و نسبتش با جهان است، نگرشی که پدیدارشناسی استعلایی بناست چندوچونش را به دست دهد، و به همین دلیل این کتاب همانند بسیاری از دیگر آثار هوسرل باز هم درآمدی به فلسفهٔ پدیدارشناختی مورد نظر او به شمار می‌رود. شعار مشهور پدیدارشناسی، یعنی «بازگشت به خود چیزها»، در این جا در قالب «بازگشت به زیست جهان» بیان می‌شود، به مثابهٔ بازگشت

به پیش فرض‌های نادیده علوم که غفلت از آن‌ها سبب شده علوم فهم درستی از مبانی خود نداشته باشند. بحران «بحران علوم» است، هم به معنای بحرانی که «در» علم و «برای» علم روی داده، و هم به معنای بحرانی که «از» نگرش علمی ناشی شده است.

به کسانی که علاقه‌مندند با زمینه تاریخی شکل‌گیری این کتاب و جایگاه آن در حیات فکری هوسرل بیشتر آشنا شوند، و به دنبال شرحی قابل فهم از مباحث کلی آن می‌گردند، پیشنهاد می‌کنم اثر بسیار آموزنده درموت موران درباره این کتاب را مطالعه کنند.^۱

از آن‌جا که ممکن است پرگویی در باب اهمیت یک اثر، محتوایش، و دشواری‌های ترجمه آن از پیش خوانندگان را در این راه که با چشمانی باز به اثر بنگرند، همیشه نگاه نقادانه خود را حفظ کنند، و به روی دریافت‌های گوناگون گشوده باشند مانعی شود و دست و بالشان را در نقد ترجمه ببندد، سخن را در این زمینه کوتاه می‌کنم، و تنها به گفتن این حقیقت اکتفا می‌کنم که ترجمه این متن سنگلاخ‌ماند و رساندن مقصود هوسرل با آن شیوه نوشتن بسیار پیچیده‌اش (خصوصاً در پیوست‌ها، که گویی هوسرل هرچه را در ذهن داشته بلافاصله روی کاغذ آورده و فرصتی برای پرداخت دوباره آن‌ها هم نداشته) مرا تا آستانه فروپاشی جسمی و روحی برد. این را می‌گویم تا خواننده دست‌کم در این حد منصف باشد که همان‌قدر که برای ترجمه زحمت کشیده شده همان‌قدر برای خواندن آن تلاش کند و وقت بگذارد.

هوسرل در این کتاب تمایز مشخصی میان «Historie» و «Geschichte» نمی‌گذارد. اما در هر صورت لازم بود این دو اصطلاح به نحوی تفکیک شوند. برگزیدن جایگزین‌های مناسب برای آن‌ها در آثار هایدگر کار آسان‌تری است، زیرا او صراحتاً میان‌شان تمایز می‌گذارد، و بر همین اساس معمولاً اولی را «تاریخ‌نگاری» و دومی را «تاریخ» ترجمه می‌کنند، کاری که

1. Dermot Moran, *Husserl's Crisis of the European Sciences and Transcendental Phenomenology: An Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press, 2012.

البته در این جا میسر نبود. به همین دلیل در تمام این متن در ترجمه «Geschichte» و مشتقاتش از قلم ایتالیک استفاده کرده‌ایم. همچنین برای تفکیک Empirie (که با empirisch و Empirismus هم‌ریشه است) و Erfahrung، که بهترین ترجمه برای هر دوی آن‌ها «تجربه» است، در ترجمه اصطلاح اول همه‌جا از قلم ایتالیک استفاده کرده‌ایم. در ترجمه «Sein»، بسته به سیاق متن، هم «وجود» و هم «هستی» را به کار برده‌ایم. «بشر» و «انسان» در این ترجمه به یک معنا به کار رفته‌اند؛ همچنین است در مورد مشتقاتشان. «transzendent» و «Transzendenz»، جهت مشخص بودن ریشه مشترکشان با «transzendental» که خود آن به پیروی از سنت غالب به «استعلایی» ترجمه شده، به ترتیب به «متعالی» و «تعالی» ترجمه شده‌اند. در این مورد توجه داشته باشید که «متعالی» و «تعالی» را ابداً نباید به طور خاص به معنایی الهیاتی فهمید، بلکه این مفاهیم به طور عام ناظر به ساحتی هستند که از نفس یا آگاهی بیرون است، در مقابل آنچه حلولی است یا به عبارتی درون نفس یا آگاهی است. «Apperzeption» هم «اندریافت» ترجمه شده تا ریشه مشترکش با «Perzeption» که خود «دریافت» ترجمه شده معلوم باشد. البته بنده واقفم که «اندریافت» چندان هم ترجمه‌رسانی نیست، به همین دلیل به دیگر معادل‌های رایجش هم، از جمله «ادراک نفسانی» و «دریافت غیرمستقیم»، اشاره کرده‌ام.

اگر در ترجمه اصطلاحی علاوه بر معادل متداول واژه تازه‌ای هم آورده‌ام (مثلاً «قصیدیت» و «خواستنی بودن»^۱ برای «Intentionalität»، یا «تقلیل» و «بازآوری» برای «Reduktion»)، نه از روی تفنن، بلکه در وهله اول با در نظر داشتن ملاحظات در ترجمه آثار هوسرل بود، که شاید خواننده در خود کتاب حاضر با آن‌ها روبه‌رو نشود، اما در نوشته‌های دیگر هوسرل (خصوصاً پژوهش‌های منطقی) به آن‌ها برخورد خواهد خورد، و در وهله دوم بدین منظور بوده

۱. توجه داشته باشید که در این جا معنای عام و البته مهجور «خواستن» مد نظر است که دقیقاً یعنی «قصید کردن چیزی»، «افساده کردن چیزی». پس به دو شیوه می‌توان به پرسش «از پدیدارشناسی چه می‌خواهی؟» پاسخ گفت: الف) از پدیدارشناسی می‌خواهم به همه پرسش‌های من پاسخ بگوید؛ ب) از پدیدارشناسی پدیدارشناسی هوسرل را می‌خواهم.

که خواننده آثار مختلف هوسرل بتواند نسبتی میان آن‌ها بیابد و هر بار با جهان زبانی کاملاً متفاوتی مواجه نشود.

لازم به ذکر است که همه آنچه در قلاب آمده افزوده مترجم است. پانویشت‌های مترجم فارسی و ویراستار آلمانی به ترتیب با علامت‌های «.م.» و «.سو.» مشخص شده‌اند، و آنچه از خود هوسرل است بدون علامت خاصی آمده است.

در این ترجمه تا جای ممکن از شکستن عبارت‌های بلند به چندین عبارت کوتاه‌تر پرهیز شده است، نه تنها برای حفظ سبک نویسنده و اصالت اثر، بلکه به این دلیل که با چنین کاری بار معنایی و اهمیتی به برخی مفاهیم به عنوان موضوعات جمله‌های جدید داده می‌شد که این مفاهیم در متن اصلی فاقد آن بودند. اما در هر صورت در مواردی هم چاره‌ای جز این نبوده است. همچنین به طور کلی تلاش کرده‌ام اصطلاحی را به صورت ترجمه‌نشده در متن فارسی نیاورم، هرچند در مواردی هم ناچار شدم از این قاعده تخطی کنم، مانند «سوژه» و «ابژه» و مشتقاتشان، «پروبلماتیک»، «رئال» و «ایدئال» و مشتقاتشان، «رادیکالیسم»، و چند مورد دیگر.

اما در مورد منابع به کاررفته باید گفت که برای ترجمه این اثر متن آلمانی زیر مبنای کار بوده است:

Edmund Husserl, *Die Krisis der europäischen Wissenschaften und die transzendente Phänomenologie: Eine Einleitung in die phänomenologische Philosophie*, Husserliana Bd. VI, herausgegeben von Walter Biemel, 2. Auflage, Den Haag: Martinus Nijhoff, 1962, Photomechanischer Nachdruck 1976.

سپس ترجمه خط‌به‌خط با ترجمه انگلیسی زیر (که البته تعدادی از پیوست‌ها در آن نیامده) تطبیق داده شده است:

Edmund Husserl, *The Crisis of European Sciences and Transcendental Phenomenology: An Introduction to Phenomenological Philosophy*, translated with an introduction by David Carr, Evanston: Northwestern University Press, 1970.

با توجه به دشواری‌ها و پیچیدگی‌های متن، و بلند بودن بسیاری از عبارات، ترجمه انگلیسی در رفع بسیاری از ابهامات راهگشا بود. در مواردی هم که میان ترجمه من از متن آلمانی و ترجمه انگلیسی اختلاف تعیین‌کننده‌ای وجود داشته، ترجمه فرانسوی زیر هم ملاحظه شده، که نسبت به ترجمه انگلیسی به متن اصلی و سبک آن وفادارتر است:

Edmund Husserl, *La crise des sciences européennes et la phénoménologie transcendantale*, Traduit de l'allemand et préfacé par Gérard Granel, Paris, Gallimard, 1976.

گاهی - با توجه به پیوند سنت فلسفی ما با زبان عربی - در مورد شیوه عبارت‌پردازی، یا انتخاب بهترین معادل، یا صرفاً جهت مقایسه، به ترجمه عربی زیر نیز مراجعه شده است:

إدموند هوسرل، أزمة العلوم الأوروبية والفنومولوجيا الترنسندنتالية: مدخل إلى الفلسفة الفنومولوجية، ترجمة و تقديم إسماعيل المصدق، مراجعة جورج كتورة، الطبعة الأولى، بيروت: المنظمة العربية للترجمة، ۲۰۰۸.

هر کدام از این منابع فرعی، که خود محصول کار فکری صاحب‌نظری و حاوی مواجهه‌های متفاوتی با متن بوده‌اند، لایه‌های پنهانی از آن را به رویم گشودند. از این حیث ابایی ندارم که به وامدار بودن خود به آن‌ها و بهره بردن از حاصل کار آن‌ها در کاستن از نقایص کار خود اذعان کنم، و حتی این مراجعات را نقطه قوت ببینم، اگر نتیجه ترجمه‌ای دقیق‌تر و استوارتر بوده باشد.

از بختیاری من است آشنا شدن با مدیر محترم انتشارات ققنوس، جناب آقای امیر حسین زادگان، که خلأ ناشی از کم‌کاری و اهمال‌کاری نهادهایی را که باید متولی تحقیقات بنیادین نظری باشند، با نظر بلند خویش در پشتیبانی پدرانه از اهل قلم جبران می‌کنند. برای ایشان سلامتی و عمر شاد و بلند آرزو دارم، که این ترجمه میسر نبود اگر محبت ایشان نبود.

از دکتر محمدمهدی اردبیلی، که نخستین بار طرح ترجمه این کتاب را با وی در میان گذاشتم و استقبالشان مرا انگیزه‌ای دوچندان شد، به خاطر

دوستی جانانه‌شان، و از دکتر احمدرضا آزمون، که این کتاب را خوش داشت و تشویق‌هایش دلگرمی مضاعف بود و هست، به خاطر رفاقت برادرانه‌شان، بسیار سپاسگزارم.

جا دارد از تحریریه ققنوس، خصوصاً آقای دکتر آرش جمشیدپور و خانم بهاره زارعی، بابت بازخوانی، تدقیق و تنقیح متن تشکر کنم. همچنین از خانم سحر بکائی که در زمینه انتخاب بهترین شیوه عبارت‌پردازی در زبان فارسی همیشه طرف مشورت بنده بودند بسیار ممنونم.

در پایان از همسر عزیزم شراره خانمرادی به خاطر همراهی در فراز و در نشیب، و دلگرمی‌هایش در روزهای سخت، روزهای بسیار سخت، از صمیم قلب ممنونم.

پایان ترجمه: ۲ خرداد ۱۴۰۳

بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی^۱ آخرین اثرِ سترگِ هوسرل است. دست‌نوشته اصلی به سال‌های ۱۹۳۵-۱۹۳۶ برمی‌گردد.^۲ هوسرل از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ روی پروبلماتیکِ بحران کار می‌کرد. دلیلِ ظاهری پیدایش این نوشتار دعوت انجمن فرهنگی وین^۳ به [ایراد] سخنرانی‌ای بود که هوسرل آن را در ۷ مه ۱۹۳۵ در وین ایراد کرد و به دلیل درخواست عمومی در ۱۰ مه تکرار نمود. عنوان سخنرانی ایرادشده در وین چنین بود: «فلسفه در بحران بشریت اروپایی».^۴ متن سخنرانی در این جا نخستین بار منتشر می‌شود (بنگرید به: متون تکمیلی، صص ۴۳۲ به بعد). هوسرل در ۱۰ ژوئیه ۱۹۳۵ در نامه‌ای به اینگاردن^۵ درباره سخنرانی وین چنین می‌نویسد: «در وین شرایط عجیبی پیش آمد. من در حقیقت بدون [همراه داشتن] دست‌نوشته‌ای آماده به آن‌جا

1. *Die Krisis der europäischen Wissenschaften und die transzendente Phänomenologie*

۲. می‌توان این نسخه را در آرشیو هوسرل، واقع در [شهر] لاون، با علامت M III 5 III 1 و M III 5 III 2 پیدا کرد. اطلاعات بیشتر درباره دست‌نوشته‌ها را می‌توان از ضمیمه آمده درباره تصحیح متن [در آخر متن آلمانی] به دست آورد [این ضمیمه در ترجمه فارسی نیامده است]. -و.

3. Wiener Kulturbundes

4. *Die Philosophie in der Krisis der europäischen Menschheit*

5. Roman Witold Ingarden (1893-1970)

رسیدم، به دلیل تصمیم‌گیری بسیار دیرموقع درباره لزوم صحبت کردن در آن‌جا، حتی پس از تعویق سخنرانی‌های پراگ، و از این گذشته به دلیل برخی گرفتاری‌های دیگر. من بر خستگی زیاد چیره شدم و در ۷ مه سخنانم را ایراد کردم که با موفقیتی غیرمنتظره همراه بود. من عمدتاً [از حیث گزینش موضوع بحث] آزادانه سخن می‌گفتم. 'فلسفه و بحران تمدن بشری اروپایی'؛^۱ نیمه نخست: ایده فلسفی تمدن بشری اروپایی ('یا فرهنگ اروپایی')، روشن شده برحسب خاستگاه‌های غایت‌شناختی-تاریخی^۲ (برحسب فلسفه).

بخش دوم: بنیاد بحران از پایان قرن نوزدهم، بنیاد ناکامی فلسفه، یا به عبارت دیگر شاخه‌های فلسفه، [یعنی] علوم مدرن خاص؛ بنیاد ناکامی پیشه [یا حرفه] آن‌ها (کارکرد غایت‌شناختی آن‌ها) در این‌که راهنمایی هنجاری^۳ را در اختیار آن سنخ بشر برتری بگذارند که بایست به مثابه ایده در بستری تاریخی در اروپا پدید می‌آمد. بخش اول سخنرانی یکپارچه‌ای بود که یک ساعت تمام زمان برد. به همین دلیل خواستم دست بکشم و بابت گستردگی موضوع عذرخواهی کردم. اما جمعیت در هر صورت می‌خواست که من به سخنانم ادامه دهم و بدین ترتیب پس از توقیفی بحث را از سر گرفتم و دیدم که همچنان علاقه‌ای پرشور به بخش دوم وجود دارد. من بایست سخنرانی دویخشی را دو روز بعد^۴ بار دیگر (و باز هم در تالاری پر از جمعیت) تکرار می‌کردم، و اما بار دیگر به مدت دو ساعت و نیم.

هوسرل در نوامبر همان سال به دعوت «مرکز فلسفی پراگ برای تحقیق درباره فهم بشری»^۵ دو سخنرانی در دانشگاه آلمانی پراگ و دو سخنرانی در دانشگاه چکی پراگ ایراد کرد،^۶ که سپس آن‌ها را در قالب کار اصلی بحران بسط داد.

1. Die Philosophie und die Krisis des europäischen Menschentums

2. historisch 3. normativ

۴. هوسرل در اصل سخنرانی را در دهم مه تکرار کرد. -و.

5. Cercle Philosophique de Prague pour les recherches sur l'entendement humain

۶. سخنرانی نخست در چهاردهم نوامبر ایراد شد. -و.

هوسرل آغاز کار بحران (بخش‌های اول و دوم)^۱ را در جلد اول مجله فیلسوفیا^۲ به ویراستاری آرتور لیبرت^۳ در بلگراد منتشر کرد (۱۹۳۶). هوسرل نسخه نهایی را در ۷ ژانویه ۱۹۳۷ دریافت کرد. بخش سوم و در حقیقت اصلی کار (بخش سوم: قسمت الف و ب) هم باید چاپ می‌شد، اما هوسرل دست‌نوشته را به خاطر طرح‌هایی اصلاحی نزد خود نگه داشت. او تا زمان بروز بیماری (اوت ۱۹۳۷)، که مقدر بود او را از پا درآورد، بدون احساس خستگی روی بحران کار کرد. می‌توان این کار را بر مبنای دست‌نوشته‌های به‌دست‌آمده ماه‌به‌ماه پیگیری کرد. بنابراین متن اصلی تمام‌نشدۀ باقی ماند. هوسرل در این سال‌ها پیوندی بسیار تنگاتنگ با اویگن فینک^۴ داشت که زمانی دستیار او بود و هوسرل مفصل درباره این کار با او سخن می‌گفت، کسی که همچنین دست‌نوشته اصلی را از روی نسخه تندنویسی‌شده رونویسی کرد. طرحی متعلق به فینک برای پیشبرد کار به عنوان پیوست ۲۹ در این جلد [یعنی کتاب حاضر] چاپ شده است. دست‌نوشته تندنویسی‌شده مربوط به متن اصلی محفوظ نمانده است، زیرا هوسرل احتمالاً آن را پس از آن‌که به دست فینک رونویسی شد از میان برده است. حتی نسخه تایپی بخش‌های اول و دوم فقط به صورت پاره‌پاره حفظ شده است، زیرا هوسرل پس از

۱. آن متن بحران که در فیلسوفیا چاپ شده بود با این عبارات آغاز می‌شود:

«نوشته‌ای که من آن را با رساله پیش رو آغاز می‌کنم و در یک رشته مقالات دیگر در فیلسوفیا کامل خواهد شد تلاشی را شکل می‌دهد تا از رهگذر تأملی غایت‌شناختی-تاریخی در خاستگاه‌های وضعیت وخیم علمی و فلسفی خودمان، ضرورت چرخش استعلایی-پدیدارشناختی فلسفه بنیاد گذاشته شود. بنابراین این نوشته به درآمدی مستقل به پدیدارشناسی استعلایی تبدیل می‌شود.

این نوشته حاصل تدوین اندیشه‌هایی است که محتوای اصلی یک سلسله سخنرانی را شکل دادند که نیمی از آن را پیرو دعوت دوستانه مرکز فلسفی پراگ برای تحقیق درباره فهم بشری، در نوامبر ۱۹۳۵ در فضای مهمان‌نوازانۀ تالارهای دانشگاه آلمانی پراگ و دانشگاه چکی پراگ برگزار کردم.»

ترجمه‌ای به زبان فرانسوی از بخش‌های اول و دوم بحران به قلم ادموند ژرر در این‌جا به چاپ رسید:
 2. *Philosophia*. و... "Les Etudes Philosophiques", Nouvelle Série, IV, (1949).

3. Arthur Liebert (1878-1946) 4. Eugen Fink (1905-1975)

چاپ آن‌ها در فیلسوفیا از آن نسخه به عنوان پیش‌نویس استفاده می‌کرد. دست‌نوشته‌های متعلق به سال‌های پایانی، که همگی به نحوی با پروبلماتیک [یا دشواره] بحران پیوند دارند، پس از مرگ هوسرل به دست هرمان لئوفان پِردا^۱ در گروه [دست‌نوشته‌های] K III گردآوری شدند. این چنین هیچ ویژگی نظام‌مندی نداشت، بلکه فقط برای نشانه‌گذاری آرشیوی واضح دست‌نوشته‌های تندنویسی‌شده کشف‌شده از سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۷ مناسب بود که در مرتب‌سازی انجام‌شده به دست فینک و لاندگریه^۲ در سال ۱۹۳۵ گنجانده نشده بودند.

در این جا پیش از همه با به‌اصطلاح دست‌نوشته‌های تحقیقی^۳ سروکار داریم. پیش‌تر در جلد‌های قبلی [از مجموعه «هوسرلیات»]^۴ به این نکته اشاره شده است که دست‌نوشته‌های هوسرل را می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد: دست‌نوشته‌هایی که خودِ هوسرل آن‌ها را برای انتشار در نظر گرفته بود؛ دست‌نوشته‌هایی که همانند مثلاً دست‌نوشته‌های مربوط به درسگفتارها برای اشخاص ثالث در نظر گرفته شده بود، بدون آن‌که هوسرل در این میان بلافاصله به انتشار آن‌ها فکر کرده باشد؛ و سرانجام دست‌نوشته‌های کاری و تحقیقی‌ای که هوسرل آن‌ها را در تلاش برای ایضاح یک پرسش برای خود نوشته بود، زیرا او چنان‌که همگان می‌دانند همیشه عادت داشت تأملاتش را روی کاغذ بیاورد.

مدیریت آرشیو هوسرل در لوون بر پایه دلایلی واضح تصمیم گرفته است کارش را با انتشار دست‌نوشته‌های گروه اول آغاز کند. در اصل چنین برنامه‌ریزی شده بود که کار با انتشار دست‌نوشته‌های مربوط به درسگفتارها پیش برود و سرانجام دست‌نوشته‌های تحقیقی منتشر شود. انتشار دست‌نوشته‌های تحقیقی مسائل خاصی پیش می‌آورد. [در این نوشته‌ها] سیر اندیشه‌ها گاهی آشفته است. هوسرل مسئله‌ای مطرح می‌کند، اما هنگام مقدمه‌چینی

1. Herman Leo Van Breda (1911-1974) 2. Ludwig Landgrebe (1902-1991)

3. Forschungsmanuskripte 4. Vgl. Bd. I, Préface von H. L. Van Breda. و...

XVI برای بسط طرح پرسش، می‌گذارد مسئله‌ای نهفته او را با خود ببرد، مسئله‌ای که [بدین‌سان] اکنون در مرکز توجه قرار می‌گیرد؛ او سپس بار دیگر چکیده‌های بلندتری به دست می‌دهد که تنها هدفشان این است که موضوعات پیش‌تر اندیشیده‌شده را در خاطر نگه دارند. اگر او در طرح پرسشی گیر کند، گاهی پیش می‌آید که بارها و بارها آن را از نو پیش می‌کشد، تکرار می‌کند، بهبود می‌بخشد، نقد می‌کند یا نوشته‌هایش را به‌سادگی دور می‌اندازد.

هیچ‌کس نمی‌تواند سودمندی این‌گونه متون برای هوسرل‌پژوه را منکر شود، اما پرسش این است که آیا آن‌هایی واسطه برای این منظور مناسب‌اند که بینشی در خصوص پدیدارشناسی فراهم آورند یا نه؛ آیا راه‌های اغلب بسیار درهم‌پیچیده، تقاطع پرسشگری‌های گوناگون، دور شدن از راه اصلی مطرح‌شده و پس و پیش رفتن در راه‌های فرعی اغلب متقاطع، بیشتر گیج‌کننده نیست، به گونه‌ای که شخص پیگیرِ هوسرل مسیرِ حقیقی را گم می‌کند. حال طبعاً این امکان هست که از دست‌نوشته‌های تحقیقی، از طریق تنظیم و گزینش، دست‌نوشته‌هایی تازه به نحوی تهیه شود. این راه‌حل را مدیریت آرشیو هوسرل رد کرد. کاری که همکاران هوسرل در زمان حیات او، در تماس مستقیم با او، به خود حق می‌دادند انجامش دهند، البته به درخواست هوسرل می‌توانستند انجامش دهند، امروزه دیگر برای ما مقدور نیست. اگر دست‌نوشته‌های تحقیقی منتشر شوند، فقط در همان صورت اصلی‌شان خواهد بود. در هر صورت این امکان هست که از دست‌نوشته‌های تحقیقی گزینش‌هایی صورت بگیرد و این‌ها حول یک موضوع معین گروه‌بندی شوند. این کاری است که در جلد پیش رو انجام شد. [در این جلد] دست‌نوشته‌های تحقیقی در پیوند با متنی اصلی که هوسرل برای انتشار در نظر گرفته بود منتشر می‌شوند. متن اصلی طرح کلی ساحتی را به دست می‌دهد که پرسشگری هوسرل در دوره مربوطه در محدوده آن می‌ماند؛ دست‌نوشته‌های تحقیقی توضیحات را تکمیل و پرمایه می‌کنند و از سوی دیگر مجالی فراهم می‌آورند تا دشواری‌هایی که او با آن‌ها دست‌به‌گریبان بوده است خود را

روشن‌تر نشان دهند. لازم است در این‌جا صراحتاً گفته شود که چینش دست‌نوشته‌های تحقیقی را ویراستار انجام داده است و خود هوسرل به انتشار بلافاصله آن‌ها فکر نکرده بود.

از آن‌جا که شمار دست‌نوشته‌ها در مورد [کتاب] حاضر بسیار قابل ملاحظه بود، انتشار آن‌ها باید به یک گروه معین محدود می‌شد، در واقع گروه K III XVII. حتی از این گروه هم باید گزینش صورت بگیرد (این گروه دربردارنده ۳۲ دست‌نوشته است، که از میان آن‌ها برخی بیش از ۲۰۰ برگ دارند). امید است در ویراستی دیگر امکانی فراهم شود تا باز هم شمار بیشتری از دست‌نوشته‌های این گروه منتشر شوند.

هرگز نباید پنهان ساخت که چنین گزینشی موضوعی پرخطر باقی می‌ماند و هرگز چنین نیست که از هر گونه نقدی مبرا باشد. برای پرهیز از این نقد که در گزینش تا حد زیادی علایق ویراستار نمود پیدا می‌کند، اصل [مورد نظر در] گزینش به صراحت از خودِ متن اصلی گرفته شد، و در مورد هر متنی از دست‌نوشته‌های تحقیقی که [در این‌جا] در قالب پیوست‌ها چاپ می‌شوند به بند یا بندهایی از متن اصلی ارجاع داده شده است که آن دست‌نوشته با آن نسبت دارد. البته نباید ارجاعات را به شیوه‌ای انحصاری در نظر گرفت، چنان‌که گویی پیوست مربوطه تنها برای این بند معین می‌تواند آموزنده باشد، بلکه ارجاعات غیر از این‌که اشاراتی باشند چیز دیگری نیستند. هرچه بیشتر به کنه پرسشگری هوسرل پی ببریم، انشعاباتِ پروبلماتیک با وضوح بیشتری پیدا و ارجاع به بندها بی‌موردتر می‌شود. همچنین باید خاطرنشان کرد که برخی دست‌نوشته‌ها برگزیده شد که نه منحصرأ با متن بحران، بلکه به طور کلی با شکوفایی فلسفه‌ورزی هوسرل مرتبط‌اند.

جلد پیش روی شما به دو بخش تقسیم شده است: متن اصلی و متون تکمیلی. در متون تکمیلی بار دیگر رساله‌های مستقل از پیوست‌ها جدا شدند. رساله‌ها بناسط اطلاعاتی دربارهٔ پیدایش پروبلماتیک بحران به دست دهند؛ البته در این‌جا نیز باید در زمینهٔ انتشار مقتصدانه پیش رفت، تا توازن

میان متن اصلی و متون تکمیلی برهم نخورد. رساله نخست به سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۲۸ تعلق دارد. این رساله به مسئله ایدئال‌سازی می‌پردازد، که در بحران اهمیت خاصی بدان داده می‌شود. رساله دوم، متعلق به دوره ۱۹۳۰، احتمالاً نوشته شده میان سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۰، به بررسی تمایز نگرش علوم طبیعی و نگرش علوم انسانی اختصاص یافته است، بحثی که دقیقاً در میانه بخش دوم بحران قرار دارد. رساله سوم دربردارنده سخنرانی وین (۱۹۳۵) است.



XVIII درباره محتوای اثر برخی ملاحظات قابل طرح است. این اولین اثری است که هوسرل در آن به صراحت در قبال تاریخ^۱ موضع‌گیری می‌کند و اساساً به صورت موضوعی به پرسش تاریخت^۲ فلسفه می‌پردازد. حتی سخنرانی وین هم بر دریافتی معین از تاریخ مبتنی است. تاریخ در این جا به مثابه برگزشتن از نگرش طبیعی (به مثابه نگرش طبیعی-عملی) فهمیده می‌شود، نگرشی که نمایانگر نوعی رویارویی با امر بی واسطه داده شده است، و [به مثابه] شکوفایی *θεωρία* [تئوریای، یا نظریه] فلسفی، که از دید هوسرل نمایانگر نوعی اپوخه [یا تعلیق] حیات ابتدایی تمایلات است، [یا] اگر آن را در بیانی ایجابی اظهار کنیم، نمایانگر نوعی دریافت موجودات در کلیتشان است. به طور کلی، نخست با این دعوی تمامیت ایده امر نامتناهی پیدا می‌شود، که برای تمدن بشری غربی سرنوشت ساز است. این گردش، که از نگاه هوسرل همزمان نمایانگر چیرگی بر امر اسطوره‌ای است، پیش از همه پیدایش علوم اروپایی را امکان پذیر می‌سازد، علومی که سپس بیشتر و بیشتر اولویت پیدا می‌کنند و قادر به تشخیص رابطه خود با فلسفه نیستند.

در این جا لازم نیست تلاشی صورت بگیرد تا موضعی نقادانه در خصوص دریافت هوسرل از تاریخ یا عالم یونانی اتخاذ شود، شاید مهم تر از این فهمیدن این مطلب باشد که چرا هوسرل باید عالم یونانی را به شیوه‌ای

مشخص ببیند و چرا ذات تاریخ به گونه‌ای بر او آشکار می‌شود که بر اساس کار بحران یا دست‌نوشته‌های تحقیقی آن دوره پیدا است. نزد هوسرل مطلبی که در کانون پرسش قرار دارد این است: چطور امکان داشت شکوفایی بی‌مانند علوم مدرن به نوعی بحران علوم برسد که همزمان نمایانگر نوعی بحران تمدن بشری اروپایی است؟ او به همین دلیل به‌خصوص پیدایش علم عصر جدید به دست گالیله را مفصل پیگیری می‌کند. در حالی که در صورت‌بندی نخست بخش دوم تنها یک بند به گالیله اختصاص داده شده بود، این موضوع در بازبینی دست‌نوشته چنان بسط یافت که [بحث درباره] گالیله نیمی از بخش دوم را تشکیل می‌دهد (بنگرید به: فقره ۹). هوسرل پس از گالیله مفصل به دکارت می‌پردازد، زیرا در او دو جهت‌گیری را متحد می‌یابد که به سبب افتراقی که بعدها در فلسفه ایجاد کردند فاجعه به بار آوردند، به عبارتی ابژکتیویسم فیزیک‌باورانه و سوژکتیویسم استعلایی. بخش دوم اثر این عنوان را دارد: «ایضاح خاستگاه تضاد میان ابژکتیویسم فیزیک‌باورانه و سوژکتیویسم استعلایی در عصر جدید» (توضیحاتی نیز که هوسرل در پیوست‌ها ارائه داده است برای تفسیر دکارت مهم‌اند). در این جا به جزئیات کل شرح مربوط به فلسفه اروپایی در عصر جدید (با توجه خاص به فلسفه انگلیسی) - همواره با نظر به نشان دادن بنیاد ناکامی علم عصر جدید - وارد نمی‌شویم، بلکه صرفاً بحث تعیین کردن طرح کلی ساحت پرسشگری هوسرل مطرح است. بینش نهفته همیشه راهنمای هوسرل در این تأملات آن است که غایت شکفته‌شده با فلسفه یونانی برای بشریت اروپایی، [به عبارتی این غایت]: «تمدنی بشری بر پایه عقل فلسفی بودن را خواستن و تنها چنین بودن را توانستن»، گم شده است، و پیرو آن معنای فلسفه به مثابه «حرکت تاریخی آشکارسازی عقل عام درون‌زا [یا فطری] تمدن بشری چونان تمدن بشری» [نیز گم شده است]. آرزوی بنیادین و راستین هوسرل نمایاندن دوباره این غایت است، از طریق نشان دادن این‌که چگونه علوم نشسته بر جای فلسفه ضرورتاً باید شکست بخورند، [و نشان دادن این‌که] چون پایه معنایی حقیقی علوم بر آن‌ها پوشیده می‌ماند و باید هم پوشیده بماند، دعوی تمامیت‌خواهانه آن‌ها مبنی بر تبیین موجودات سست می‌شود.